

سیاست‌های نظام سلطه جهت عدم تحقق تمدن نوین اسلامی در خاورمیانه

علی اکبر رضایی^۱

کامران ربانی صدر^۲

محمد نظری تلخابی^۳

امید یعقوبی^۴

چکیده

نظام سلطه برای جلوگیری از تحقق یک تمدن اسلامی در منطقه خاورمیانه از سال‌ها پیش دست به یک سری اقداماتی زد که بتواند کشورهای اسلامی را در حالتی ضعیف و غیر متحد قرار دهد. نظام سلطه با طرح خاورمیانه بزرگ در صدد تبدیل خاورمیانه به پایگاهی برای خود با مرکزیت اسرائیل است. علاوه بر این نظام سلطه در راستای عدم وحدت میان مسلمانان به ایجاد اختلافات ارضی میان کشورهای اسلامی از طریق تجزیه ناهمگون خلافت عثمانی و به راه انداختن جنگ میان کشورهای اسلامی مبادرت ورزید. آخرین اقدام نظام سلطه برای ممانعت از تحقق این امر، ترویج اندیشه‌های الحادی برای از بین بردن دین اسلام به عنوان هسته مرکزی بوجود آمدن یک تمدن بزرگ و قدرتمند در منطقه خاورمیانه بود. در این نوشتار با روش تبیینی و تحلیلی به بررسی عوامل بنیادین جهت عدم تحقق تمدن نوین اسلامی در منطقه خاورمیانه پرداخته‌ایم.

واژگان کلیدی: خاورمیانه، اختلافات مرزی، جمهوری اسلامی، تمدن نوین اسلامی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. دانشجوی روابط بین‌الملل دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) نویسنده مسئول ایمیل

Rezaei.yu@gmail.com

۲. دانشجوی روابط بین‌الملل دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

۳. دانشجوی روابط بین‌الملل دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

۴. دانشجوی روابط بین‌الملل دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

مقدمه

نظام سلطه پس از جنگ جهانی اول و فروپاشی خلافت عثمانی به گونه‌ای نقشه‌ی کشورهای جدید را ترسیم نمود که این کشورها هرگز در صدد برنیابند که با یکدیگر متحد شوند و قدرتی در برابر قدرت‌های غربی باشند. چرا که تجربه خلافت عثمانی و شکست قدرت‌های غربی در برابر خلافت عثمانی، موجب شد تا نقشه کشورهای که از درون خلافت عثمانی بیرون می‌آیند را به گونه‌ای ترسیم نمایند که همواره با یکدیگر در اختلاف باشند و این اختلافات منجر به جنگ بین کشورهای اسلامی شود به گونه‌ای که شاهد جنگ بین کشورهای منطقه بودیم. علاوه بر این نظام سلطه در صدد حمله به دین اسلام به عنوان عامل همگرایی و وحدت در بین کشورهای منطقه برآمده و با ترویج سکولاریزم در منطقه خواهان به انزوا رفتن دین اسلام در بین کشورهای منطقه شده است. در این پژوهش درصدد پاسخگویی به این سوال هستیم که سیاست‌های نظام سلطه چگونه مانع تحقق تمدن نوین اسلامی در منطقه خاورمیانه گردیده است؟

تمدن

واژه Civilization معادل تمدن یا حضاره است. این واژه در زبان انگلیسی از لغت لاتینی Civil به معنی شهروند یا شهرنشینی گرفته شده و برای دلالت بر ویژگی‌هایی مانند لطف، کیاست و لیاقت مورد استفاده قرار گرفته است که دستاورد شهرنشینی است یا برای پیشرفت و طرفی افراد و جمعیت‌هایی که در شهرها زندگی می‌کنند (اکبری و رضایی؛ ۱۳۹۴: ۳).

تمدن مصدر عربی از باب تفاعل و اسم مصدر خارجی است؛ تعریف تمدن در فرهنگ عمید چنین آمده: "شهرنشینی شدن، خوی شهری برگزیدن و با اخلاق مردم شهر آشنا شدن، همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگانی و فراهم ساختن اسباب ترقی و آسایش خود" (Cofelink.com: 1399). دکتر شریعتی در تعریف کلی از تمدن می‌گوید:

تمدن به معنای کلی عبارت است از مجموعه ساختارها و اندوخته‌های معنوی و مادی جامعه انسانی. وقتی می‌گوییم ساخته‌های انسانی، مقصود آن چیزی است که در طبیعت در حالت عادی وجود ندارد و انسان آن را می‌سازد، بنابراین ساخته انسانی در برابر ساخته طبیعت قرار می‌گیرد (فوزی و صنم زاده؛ ۱۳۹۱: ۶).

ساموئل هانتینگتون تمدن را بالاترین گروه بندی فرهنگی و گسترده ترین سطح هویت فرهنگی به شمار می‌آورد (همان؛ ۱۳۹۱: ۴).

ویل دورانت در تعریف تمدن می‌گوید: «تمدن را می‌توان به شکل کلی آن، عبارت از نظم اجتماعی دانست که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند. تمدن دارای چهار رکن اساسی است که شامل: پیش بینی و احتیاط در امور اقتصادی، سازمان سیاسی، سنن اخلاقی

و کوشش در راه معرفت و بسط هنر می‌شود» (اشکواری و موسوی؛ ۱۳۹۴: ۲). به طور کلی نکته اساسی و مهم در تعریف را می‌توان شهرنشینی و شهری شدن اجتماعات انسانی قلمداد کرد.

بیان مسئله

تمدن اسلامی که با بعثت پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمد (ص) آغاز شد، با هجرت ایشان از مکه به مدینه مهم ترین رکن یک تمدن یعنی به وجود آمدن تاریخ خاص آن تمدن که تاریخ هجری قمری می‌باشد به وجود آمد و با تشکیل و تاسیس یک دولت متناسب با آموزه های اسلامی در شهر مدینه پایه های تمدن اسلامی را در این شهر برقرار ساخت. این تمدن رفته رفته گسترش یافت تا جایی که از هندوستان تا اسپانیا را درنوردید.

قرون چهارم و پنجم هجری قمری را بسیاری از مورخین و کارشناسان تاریخ علم مانند آدام متز، دوران تمدن اسلامی نامیده‌اند، دورانی شهرهایی چون بغداد، ری و شیراز مراکز تمدنی آن بودند (khabaronlin.com:1394). تمامی سه قرن اول هجری قمری زمینه برای ظهور تمدن اسلامی در قرن های چهارم و پنجم بود. دورانی که عالم اسلام بهترین دوران خود را، به رغم جنگ‌های داخلی و خارجی و به خصوص جنگ‌های صلیبی، سپری کرد. اگر ظهور تمدن اسلامی یا بخشی از آن را در بخش تاریخ علم بدانیم، بهترین آثار علمی دنیای اسلام در هر زمینه در این دو قرن پدید آمد. ظهور برترین چهره‌های جهان اسلام مانند ابن سینا و بیرونی و جز آن دو، نوشته شدن بهترین آثار اسلامی در زمینه‌های مختلف دینی، فلسفی، پزشکی، ریاضی، نجوم، جغرافیا و تاریخ و بسیاری از رشته‌های علمی دیگر، در این دو قرن بود. البته بدون سه قرن پیش از آن چنین تولدی ناممکن بود. در واقع تمدن اسلامی سیر سال دوران بارداری را طی کرد و همزمان با ظهور یکی از معقول‌ترین سلسله‌های اسلامی، یعنی آل بویه، مولود خود را به دنیا آورد و دنیا را خیره کرد (جعفریان؛ ۱۳۹۴: ۵).

افول تمدن های اسلامی با سقوط دولت گورکانی در هند که توسط کمپانی هند شرقی در سال ۱۸۵۳ از بین رفت و خلافت عثمانی و خدیوهای مصر در جنگ جهانی اول، تقسیم سرزمین‌های اسلامی میان قدرت‌های غربی، تجزیه کشورهای اسلامی، روی کار آوردن دولت‌های دست نشانده و مورد قبول خودشان، پایانی بر حیات تمدن اسلامی بود که شروع آن از زمان پیامبر بزرگ اسلام بود. پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ به عنوان اولین مرحله از تحقق تمدن نوین اسلامی و پس از آن تحقق جمهوری اسلامی ایران به عنوان دومین مرحله (نظام اسلامی) پس از قریب به یک قرن دوباره امید به تحقق یک تمدن که ریشه در آیین و آموزه‌های دین اسلام داشته باشد را در دل مسلمانان زنده کرد. تمدن نوین اسلامی که دارای پنج مرحله: انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، کشور اسلامی و در آخر تمدن نوین اسلامی است، یعنی برپایی تمدنی اسلامی که جمهوری اسلامی ایران در آن به عنوان ام القرای جهان اسلام شناخته شود، اولین بار توسط رهبر جمهوری اسلامی ایران آیت الله خامنه‌ای (حفظ الله) مطرح گردید

ایشان امام خمینی (ره) را پیشرو و به وجود آورنده تمدن نوین اسلامی می‌نامند و می‌فرمایند: «یک تحول دیگر، تحول در نگاه به آینده بود. در آن دورانی که نهضت شروع شد و امام وارد میدان شدند، با همه‌ی شعارهایی که حالا بعضی از گروه‌ها و گروهک‌ها می‌دادند – که خیلی محدود و کوچک هم بودند – در نگاه مردم آینده‌ای دیده نمی‌شد. یعنی مردم یک افق و آینده‌ای در مقابل چشم نداشتند؛ این تبدیل شد به ایجاد تمدن نوین اسلامی. یعنی شما امروز به ملت ایران نگاه کنید، این دست مبارک امام است که این حالت را به وجود آورده؛ مردم دنبال این هستند که تمدن نوین اسلامی را تشکیل بدهند و به وجود بیاورند؛ اتحاد عظیم اسلامی را به وجود بیاورند، امت اسلامی را تشکیل بدهند. نگاه عامه‌ی مردم، توده‌ی مردم این است (ijtihadnet.ir:1399).

ایشان درباره سختی‌های این کار و اینکه تمدن غرب و ابرقدرت‌ها تلاش خود را برای جلوگیری از تحقق تمدن نوین اسلامی به کار خواهند بست فرمودند: «جمهوری اسلامی یک نمونه است، یک منطقه‌ی آزمایش و یک آزمون است برای دنیای اسلام. ما قبل از اینکه اسلام بر این کشور حاکم بشود، یک ملت به معنای عقب افتاده بودیم، از لحاظ اجتماعی عقب افتاده، در دنیای اسلام منزوی. امروز پیشرفت‌های جمهوری اسلامی، دشمنان ما را هم وادار به اعتراف کرده است؛ امروزه تقریباً بعد از گذشت ۳۵ سال از پیروزی انقلاب اسلامی، ما در رتبه‌ی علمی، در رتبه‌ی فناوری، در بسیاری از دانش‌های نوین دنیا، در ردیف کشورهای پیشرفته قرار داریم. گزارش‌هایی که واقعیت و حقایق آنها ثابت شده است، به ما می‌گوید که ما در یک جا رتبه‌ی هفتم هستیم، در یک جا رتبه‌ی ششم هستیم، در یک جا رتبه‌ی پنجم هستیم. ملت ایران به برکت اسلام توانست هویت خود و شخصیت خود را نشان بدهد؛ این قابل تعمیم است؛ شرطش این است که سایه‌ی شوم ابرقدرت‌ها بر سر کشورها نباشد، این شرط اول است؛ البته هزینه دارد و هیچ کار بزرگی بی هزینه نیست. من در این مجلس سنگین و مهم که شخصیت‌های مهم و بزرگی در این مجلس حضور دارند، می‌خواهم این را بگویم که امت با یک تلاش مجاهدانه و مجدانه می‌تواند تمدن اسلامی باب این دوران را طراحی کند، شالوده ریزی کند، به ثمر برساند و آن را در مقابل بشریت قرار دهد (Khamenei.ir:1399).

نظام سلطه

مقام معظم رهبری در تعریف نظام سلطه و اینکه نظام سلطه دشمنی عمیقی با اسلام دارد می‌فرماید: «نظام سلطه – که فعلاً در راس آن آمریکا است؛ یک روز در راس آن انگلیس بود یا دیگران بودند، امروز در راس نظام سلطه آمریکا است – با منطق اسلام، با هویت اسلام، با معنای اسلام مخالف است. البته با جمهوری اسلامی بیشتر مخالفند» (Khamenei.ir:1398).

ایشان در تبیین و تفسیر نحوه‌ی عمل و اقدام نظام سلطه در صحنه جهانی نیز می‌فرمایند: «در ادبیات سیاسی ما یک کلیدواژه مهمی وجود دارد به نام «نظام سلطه»؛ این کلیدواژه، خیلی پرمغز و پرمعنا است؛ نظام سلطه یعنی چه؟ نظام سلطه یعنی یک نظام دو قطبی جهانی بین کشورها؛ یک دو قطبی

واضح و روز افزون بین کشورها؛ این نظام سلطه است. یک قطب، قطب مسلط است؛ یک قطب، قطب زیر سلطه است. این شده نظام دو قطبی. دو دسته کشور در دنیا به وجود آمد - که این مربوط به مثلا دو سه قرن به این طرف است - کشورهای مسلط و کشورهای زیر سلطه. کشورهای مسلط، البته عمدتا یا عموما کشورهای اروپا بودند. یک دوگانه‌هایی به وجود آمد، (از جمله) دوگانه‌ی پیشرفت و توقف؛ یعنی کشورهای مسلط همین طور مدام پیشرفت‌های روزافزون با سرعت روزافزون پیدا کردند - یعنی سرعت پیشرفتشان هم مدام زیاد شد - و کشورهای زیر سلطه متوقف شدند و عقب‌گرد کردند. دوگانه‌ی ابتکار و تقلید؛ یعنی کشورهای مسلط، هر روز یک ابتکار جدیدی در زندگی، در علم، در امکانات به وجود آوردند؛ (اما) کشورهای زیرسلطه، بدون اینکه هیچ ابتکاری را از خود بروز دهند به آن‌ها امکان چنین چیزی داده بشود، همین طور مرتب تقلید کردند؛ مرتب آنها ابتکار کردند، این‌ها نگاه کردند و تقلید کردند. دوگانه‌ی استقلال سیاسی و وابستگی؛ کشور کوچکی مثل انگلیس مستقل بود، یک دریای با عظمتی مثل شبه قاره هند - شامل هند و پاکستان و بنگلادش بعدی - تحت نفوذ آن و وابسته‌ی سیاسی بود. با یک کشوری مثل ایران با این سابقه‌ی فرهنگ، از لحاظ سیاسی وابسته بود - چه در اواخر دوره‌ی قاجار، چه در دوره‌ی پهلوی - وابسته‌ی به چه؟ مثلا فرض کنید به یک کشور کوچکی مثل انگلیس. دوگانه‌ی اعتماد به نفس و انفعال؛ این هم یک دوگانه‌ی دیگر است. کشورهای مسلط، اعتماد به نفس داشتند، حرف می‌زدند، توقع می‌کردند، دنیا را متعلق به خودشان می‌دانستند؛ (اما) این مجموعه‌ی زیرسلطه که البته خیلی هم از لحاظ کمیت بیشتر بودند، اینها دچار انفعال، دچار وادادگی و ضعف نفس بودند. صدور جهان‌بینی و فرهنگ و رسوم و عادات؛ یکی از به اصطلاح اوازم و تبعات این نظام سلطه، این است که آن کشورهایی که ابتکار دارند، پیشرفت دارند، اعتماد به نفس دارند؛ عادات خودشان و رسوم خودشان و جهان‌بینی خودشان را منتقل می‌کنند به کشورهای زیر سلطه؛ اینها هم قبول می‌کنند؛ به صورت کتاب، به صورت تحقیقات و انواع و اقسام دیگر (همان؛ ۱۳۹۶).

موانع نظام سلطه در برابر تمدن نوین اسلامی

نظام سلطه و در راس آن آمریکا از ابتدای به پیروزی رسیدن انقلاب اسلامی ایران درصدد براندازی آن و جلوگیری از صدور آن برای عدم تحقق تمدن نوین اسلامی بودند و در این راه دست به یک سلسله اقدامات زدند که شامل: ۱- طرح خاورمیانه جدید ۲- عدم وحدت میان مسلمانان ۳- ترویج اندیشه‌های الحادی در جوامع اسلامی.

۱. طرح خاورمیانه جدید

اصطلاح « خاورمیانه جدید» در ژوئن ۲۰۰۶ به وسیله‌ی کاندولیزا رایس، وزیر امور خارجه امریکا که مطبوعات غربی از او به عنوان مبدع این اصطلاح یاد کردند (در تل‌آویو، مرکز رژیم صهیونیستی، اعلام شد و جایگزین اصطلاح قدیمی‌تر « خاورمیانه بزرگ» شد.

نقشه خاورمیانه جدید عصاره‌ی کتاب سرهنگ رالف پیترز بازنشسته است که با عنوان هرگز مبارزه را رها مکن در دهم ژوئیه ۲۰۰۶ منتشر شد. این نقشه همچنین با عنوان « مرزهای اصیل: یک خاورمیانه بهتر به چه چیزی شبیه خواهد بود؟ » در نشریه‌ای به همراه تفسیر رالف پیترز به چاپ رسیده است (ناظم الرعايا؛ ۱۳۸۶: ۵).

تجاوز رژیم صهیونیستی به لبنان در زمان نخست وزیری اولمرت و به کار بردن اصطلاح « خاورمیانه جدید » از سوی وی نشان از آغاز پروژه مشترک آمریکایی - صهیونیستی داشت. پروژه خاورمیانه جدید ایجاد دامنه‌ای از بی‌ثباتی، هرج و مرج و خشونت‌ی امتداد یافته از لبنان، فلسطین و سوریه تا عراق، خلیج فارس، ایران و مرزهای تحت تصرف پادگانی افغانستان توسط ناتو را در برمی‌گرفت. ایالات متحده، بریتانیا و رژیم صهیونیستی با استفاده از نیروهای ایجاد کننده « هرج و مرج » می‌خواستند نقشه خاورمیانه را منطبق با ضرورت‌ها و اهداف ژئواستراتژیک خود مجدداً طراحی نمایند (makhateritakfir.com: 1395).

در همین راستا می‌تواند به تاسیس پایگاه امریکا در آذربایجان، قرقیزستان و افغانستان و تاسیس مرکزیت ناوگان پنجم در بحرین و انعقاد قرارداد هسته‌ای با هند و اشغال عملی و اعلام نشده پاکستان، حمایت از تجزیه طلبان سودانی و درگیر کردن ناتو به حسب اقتضاء در این اشغالگریها نشان از عملیاتی شدن همان تصمیم اتخاذ شده برای اشغال نظامی - سیاسی جهان اسلام و سرکوب هر حرکت ضد غربی و نجات صهیونیسم از انتفاضه‌ی فلسطین و محاصره‌ی جمهوری اسلامی بود (خامنه‌ای؛ ۱۳۹۱: ۵۸-۵۹).

طرح‌های صهیونیستی برای تجزیه منطقه

نظام سلطه برای تحقق طرح خاورمیانه جدید خود دست به طرح ریزی یک سلسله طرح‌هایی برای تجزیه منطقه کرد که نکته قبل توجه در این طرح‌ها عدم تجزیه رژیم صهیونیستی و قائل شدن مرکزیت برای این رژیم در منطقه می‌باشد. این طرح‌ها عبارتند از:

الف) طرح بینون

این طرح در سال ۱۹۸۲ رسانه‌ای شد و در چارچوب آن تلاش می‌شود تا کشورهای عربی و اسلامی بر اساس مذهبی تجزیه شوند، چهار ماه بعد از اعلام این طرح بود که رژیم صهیونیستی به لبنان حمله کرد.

ب) طرح مرزهای خونین

رالف پیترز افسر بازنشسته آمریکایی و از نظریه پردازان راستگرایان جدید محسوب می‌شود. آنچه که طرح وی را از دیگر طرح‌ها متمایز می‌کند آن است که علاوه بر نگاه ویژه به تسلط رژیم صهیونیستی بر منطقه و تحقق اهداف اقتصادی و نفتی غرب در آن، وی نگاه خاص و جدیدی بر تجزیه عربستان، ایران و پاکستان داشته و آنها را به منابع سه گانه شرارت در منطقه توصیف می‌کند.

ج) طرح نقشه آتلانتیک

این طرح را جفری گولدبرگ یک صهیونیست آمریکایی تبار ارائه کرده است. او پروژه خود را تحت عنوان «فروپاشی نقشه فعلی خاورمیانه» منتشر کرد. او در این طرح نقشه جدیدی از خاورمیانه منتشر کرد که بخش‌هایی از کشورهای منطقه از جمله سینا در مصر به دولت‌های مستقل تبدیل شده‌اند. از جمله پیشنهادات تحقق یافته وی سودان جدید است که او برای اولین بار آن را مطرح و چهار سال بعد نیز به شکل دولت جنوب سودان رسماً اعلام موجودیت کرد. وی دامنه تجزیه خود را تا عمق آفریقا هم پیش برده و خواهان تقسیم سومالی هم شده است. همچنین مدعی شده است با توجه به توانمندی‌های حزب الله باید برای ساکت کردن آن یک دولت شیعی در جنوب لبنان شکل گیرد، دولت دروزی هم با قطع کردن بخش‌هایی از شمال اردن و جنوب سوریه شکل می‌گیرد. گرچه پروژه تقسیم با خروج بخش‌هایی از خاک سودان عملاً وارد فاز اجرایی شده است اما ظاهراً تجزیه عراق نقطه اوجی است که می‌تواند بقیه قطعات دومینوی انسجام ارضی منطقه را هم تحت شعاع قرار دهد (farsnews.ir:1394).

د) طرح لانه زنبور

طرح «لانه زنبور» نام پروژه سری و مشترک دستگاه‌های جاسوسی آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی برای ایجاد داعش بود. اسناد این موضوع توسط «ادوارد اسنودن» پیمانکار سابق «آژانس امنیت ملی آمریکا» منتشر شد. آن طور که در اسناد افشاء شده توسط اسنودن آمده است، دو هدف اصلی این پروژه عبارت بودند از: ۱) تجزیه کشورهای منطقه غرب آسیا (۲) حفظ موجودیت رژیم صهیونیستی. ابزار کار پروژه لانه زنبور نیز شناسایی و جذب تروریست‌ها و سلفی‌ها از تمام نقاط دنیا و اعزام آن‌ها به سوریه بود (باشگاه خبرنگاران جوان: ۱۳۹۷).

ادوارد اسنودن درباره گروه داعش گفت: گروه داعش برای حمایت از اسرائیل تشکیل شده است و هدف عملیات لانه زنبور تشکیل گروهی با شعارهای اسلامی است که تندروها را از سراسر جهان جذب کند و بر اساس اندیشه‌های تکفیری، سلاح خود را به سوی کشورهای مخالف موجودیت اسرائیل نشانه بگیرند. اسنودن همچنین اذعان کرد که سرکرده گروه داعش دوره فشرده‌ای را به مدت یک سال زیر نظر عوامل موساد پشت سر گذاشته است. هیلاری کلینتون نیز در کتاب خاطرات خود اذعان دارد که «ما داعش را برای تقسیم خاورمیانه ایجاد کردیم» (حوزه: ۱۳۹۸).

اگر اسامه بن لادن و حتی ایمن الظواهری و اسلافشان که در دوره‌های متفاوت به عنوان سرکرده‌های القاعده معروف‌ترین گروه تکفیری شناخته می‌شوند، گاه گذاری اشاره‌ای به صهیونیست‌ها و یهودیان کرده و ادعای تلاش برای مبارزه با آنها را می‌کردند (گرچه بر اساس اسناد موثق این گروه‌ها حتی یک گلوله هم به سوی رژیم صهیونیستی شلیک نکرده‌اند) اما گروه داعش رسماً و علناً اعلام می‌کند مشکلی با رژیم صهیونیستی نداشته و اصولاً فلسفه اصلی خود را پاکسازی اسلام از مسلمانانی اعلام می‌کند که با این گروه از لحاظ فکری اختلاف نظر دارند (مشرق نیور: ۱۳۹۳).

۲. عدم وحدت میان مسلمانان

ریشه اختلافات میان کشورهای مسلمان به طرق گوناگون و توسط ابرقدرت‌های گذشته (بریتانیا) و حال (آمریکا) بنا نهاده شد و این اختلافات خود یکی از موانع نزدیکی کشورهای مسلمان به یکدیگر برای تمدن سازی و برپایی یک تمدن مبتنی بر دین اسلام در برابر تمدن غربی می‌باشد.

رهبر انقلاب در باب اختلافات در جهان اسلام توسط ابرقدرت‌ها می‌فرماید:

« در مساله وحدت، دو نقطه یا دو جهت‌گیری اساسی وجود دارد که هر کدام به تنهایی، حایز اهمیت هستند. وقتی ما شعار وحدت را می‌دهیم، این دو نکته اساسی باید مورد توجه ما باشد و همین‌ها برای زندگی عملی مسلمین کارساز است:

یکی از این دو نکته، عبارت از رفع اختلافات و تناقض‌ها و درگیری‌ها و تضادها و کارشکنی‌هاست که از قرن‌ها پیش تا امروز، میان طوایف و فرق مسلمین وجود داشته است و همیشه هم این تناقض‌ها به ضرر مسلمین تمام شده است. اگر به تاریخ اسلام برگردیم، خواهیم دید که زمام و مبدا همه و یا قسمت اعظم این تعارض‌ها و تناقض‌ها به دستگاه‌های قدرت مادی برمی‌گردد (دیدار شرکت کنندگان در کنفرانس وحدت اسلامی ۱۶/ مهر/ ۱۳۶۹).

علاوه بر این، ایشان در باب ترس استعمارگران از هویت یکپارچه جهان اسلام نیز می‌فرمایند: «سیاستمداران استعمارگر به خوبی می‌دانستند که اگر هویت یکپارچه‌ی جهان اسلام شکل بگیرد، راه بر سیطره‌ی سیاسی و اقتصادی آنان بسته خواهد شد. پس در تلاش همه سویه و بلند مدت، به اختلافات در میان مسلمانان دامن زدند و زیر چتر این سیاست خبیثانه، از غفلت توده‌های مردم و سست عنصری زمامداران سیاسی و فرهنگی، بهره برداری کردند و کار خود را در تسلط بر کشورهای اسلامی پیش بردند (پیام به کنگره عظیم حج ۸/ دی/ ۱۳۸۵).

الف) اختلافات مرزی

پس از جنگ جهانی اول و فروپاشی خلافت عثمانی، بریتانیا به عنوان ابرقدرت آن زمان نقشه خاورمیانه را به گونه‌ای ترسیم کرد که مانع هرگونه پیوند و نزدیکی کشورهای جدید اسلامی در آینده با یکدیگر شوند و کشورهای اسلامی نتوانند در آینده هویت یکپارچه اسلامی خود را باز یابند.

نقشه سیاسی خاورمیانه توسط انگلیسی‌ها طی کنفرانسی در سال ۱۹۲۱ در قاهره به وجود آمد. در این کنفرانس خانمی به نام گرتروود بل صاحب کتاب «ملکه صحرا» نقشه خاورمیانه را به همراه چرچیل و لورنس عربستان طراحی و تصویب کردند و نقشه بر اساس تامین منافع بریتانیا کشیده شد. نقشه سیاسی عراق که حاصل ترکیب سه منطقه جغرافیایی و هویتی متفاوت، کردها، سنی‌ها و شیعیان است، در همان زمان تصویب شد. تداوم بحران و بی‌ثباتی در عراق امروز بیشتر ریشه در این پیشینه تاریخی دارد. اختلافات ارضی موجود در خاورمیانه بین افغانستان و پاکستان، مرزهای خلیج فارس و

اختلاف سرزمینی بین قطر و عربستان همگی به نظم مزبور بازمی‌گردد. جنگ اعراب و رژیم صهیونیستی یا اختلافات ارضی و تنش‌های سایر کشورها در این مقوله می‌گنجد (برزگر؛ ۱۳۸۸: ۲). نقشه سیاسی خاورمیانه به گونه‌ای طراحی شده که تقریباً تمام کشورهای خاورمیانه با یکدیگر وارد اختلافات و تنش‌های سیاسی - نظامی شده‌اند و این اختلافات باعث دشمنی در بین کشورهای اسلامی شده است. چند نمونه از این ادعاها عبارتند از:

امارات متحده عربی نسبت به جزایر ایرانی تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی ادعای مالکیت دارد و حتی در سال ۱۹۹۲ تهدید کرد که ایران را برای بار دوم به شورای امنیت سازمان ملل خواهد کشانید. عراق از زمان عبدالکریم قاسم تاکنون نسبت به کویت ادعای ارضی داشته و این کشور را یکی از استان‌های خود می‌داند. این ادعاها تا آنجا پیش رفت که عراق در سحرگاه دوم اوت ۱۹۹۰ ظرف چند ساعت کویت را به اشغال خود درآورد و چند روز (۶ روز) آن کشور را رسماً ضمیمه خاک خود نمود. عراق نسبت به بخش‌هایی از شمال شرقی عربستان سعودی مطامع ارضی دارد. این ادعاها و مشخص نشدن نقاط مرزی دو کشور باعث شد که عربستان برای تثبیت مرزهای موجود در سال ۱۹۷۸ شروع به احداث شرکت‌هایی مسکونی در مناطق مرزی خود با عراق نماید.

عربستان نیز با کشورهای همسایه خود اختلافات ارضی و مرزی دارد. این ادعاها در راستای رویاهای دیرین سعودی‌ها در زمینه استیلا بر تمام جزیره العرب می‌باشد. این کشور با کویت بر سر جزایر «ام المرادم و قروه» که به ترتیب در فاصله‌ی ۱۷ و ۴۰ کیلومتری ساحل ناحیه‌ی بی طرف واقع شده‌اند، اختلاف دارد. عربستان در سال ۱۹۹۷ به این جزایر حمله و آنها را تصرف کرد. اختلاف دیگر عربستان و کویت مربوط به تحدید حدود فلات قاره در خلیج فارس می‌باشد. زیرا دولت کویت مبدا دریای سرزمینی خود را خطوط مستقیمی می‌داند که پیشرفته‌ترین نقاط جزایر بوبیان، فیلکه و عوهه را به هم مستقل می‌کند. اما این رویه با مخالفت دولت سعودی رو به رو شده است.

میان عربستان، ابوظبی و عمان نیز بر سر واحه‌ی بوریمی منازعه و کشمکش‌هایی وجود دارد، به طوری که عربستان این ناحیه را اشغال نظامی کرده است. در مورد مرزهای عربستان و عمان هیچگونه توافقی حاصل نشده است. به عبارت دیگر مرزهایی میان دو کشور هنوز مراحل اولیه‌ی تعیین حدود روی نقشه را نیز طی نکرده است (حیدری عبدی؛ ۱۳۷۸: ۲).

ب) جنگ میان کشورهای اسلامی

از ترفندهای استعمار که مانع اتحاد و همبستگی کشورهای اسلامی می‌شود اختلاف مرزی در بین دولت‌های کوچک وابسته، به منظور دوام تنش و برخورد بین دولت‌های دو طرف مرز و زمینه‌سازی برای حضور استعمار تحت عنوان نیروی مسلح است. میراث شومی که استعمار در حین عقب نشینی از سرزمین‌های مستعمره از خود به جای گذاشت نامشخص کردن مرزهای کشورها بود. این موضوع سبب اختلاف مرزی بین ایران و عراق گردید و در نهایت منجر به جنگ رژیم عراق علیه ایران شد.

دامن زدن به اختلاف مرزی عراق و کویت و تشویق رژیم صدام به اشغال کویت، منجر به جنگ دوم خلیج فارس و حضور رسمی نظامی آمریکا و انگلیس در منطقه شد. اختلاف بین عربستان و یمن و جنگ بین دو کشور هند و پاکستان و بحران کشمیر که ده سال است این بحران ادامه دارد و تاکنون دو کشور سه بار بر سر کشمیر جنگیده‌اند و مسابقه تسلیحاتی دائمی دو کشور در همین مسیر پیش می‌رود (حبیبی؛ ۱۳۸۲: ۱۵).

۱. جنگ عراق و ایران

در پی حمله عراق به ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ شاهد یک همسویی غیرقابل تصور بین رهبران دو بلوک شرق و غرب یعنی آمریکا و شوروی بودیم. این دو کشور به عنوان ابرقدرت‌های آن زمان، هنگامی که با انقلاب اسلامی که می‌خواست خود را به عنوان نیروی سوم در نظام بین‌الملل معرفی کند رو به رو شدند هر دو به کمک رژیم صدام شتافتند، تا با کمک به صدام باعث شکست جمهوری اسلامی بشوند؛ چرا که جمهوری اسلامی تنها کشوری بود که در آن زمان وابسته به هیچ یک از دو بلوک آن زمان نبود و شعار «نه شرقی نه غربی» را در سیاست خارجی خود اتخاذ کرده بود.

اقدام دیگری را که آمریکایی‌ها در چارچوب سیاست مهار به انجام رساندند باید بر اساس حمایت‌های تسلیحاتی و اقتصادی از عراق تلقی کرد. برای تحقق این امر، محدودیت‌های اعمال شده علیه عراق پایان یافت. از سوی دیگر زمینه سیاسی و بین‌المللی مناسب جهت اعطای کمک‌های منطقه‌ای و جهانی به عراق فراهم گردید. جبهه بندی‌های سازمان یافته‌ای برای حمایت از عراق شکل گرفت. وزارت امور خارجه عراق با بهره‌گیری از شرایط محیطی و بین‌المللی، تلاش گسترده‌ی خود برای جذب حداکثر حمایت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را به انجام رساند (متقی؛ ۱۳۷۹: ۱۱).

روند بازسازی روابط آمریکا و عراق با بهره‌گیری از الگوهای دیدار محرمانه «دیپلماسی سری» انجام پذیرفت. با توجه به نقش برژینسکی در ساختار سیاستگذاری خارجی آمریکا، وی مسئولیت حمایت از عراق را در چارچوب «بازگرداندن آن کشور به خانواده‌ی ملل» عهده‌دار گردید (همان؛ ۱۳۷۹: ۱۱).

بر اساس پیمان دوستی ۱۵ ساله‌ای که میان دو کشور عراق و شوروی در سال ۱۹۷۲ امضاء شده بود، شوروی تامین کننده‌ی اصلی سلاح‌های عراق و همچنین فرستادن کارشناسان نظامی به این کشور بود و هیچ‌گاه این کمک‌ها را تحت شعاع چرخش سیاست‌های بغداد قرار نداد. این کشور علاوه بر ارسال اسلحه به عراق با ارزیابی از ضعف‌های ساختاری ارتش آن کشور در وضعیت دفاع و حمله، در توسعه نیروهای مسلح و طرح ریزی استراتژی‌های تهاجمی آن نیز نقش فعالی داشت. به گفته‌ی بسیاری از تحلیل‌گران کمک‌های شوروی به عراق تاثیراتی سرنوشت ساز بر روند تحولات جنگ داشت (صالحی؛ ۱۳۹۰: ۹)

در واقع، دولت شوروی نیز به مانند ایالات متحده هیچ علاقه‌ای به پیروزی ایران در این جنگ نداشت، چرا که انقلاب ایران به همان اندازه که ضد آمریکایی بود، ضد شوروی هم بود. بنابراین وقوع

این انقلاب نه تنها توازن موجود در منطقه را به هم ریخته بود، بلکه صدور آن به عراق و جابجایی قدرت در این کشور به وسیله یک رژیم مستقل مذهبی می‌توانست عراق را از حلقه‌ی طرفداران مسکو خارج کند (صالحی؛ ۱۳۹۰: ۹).

۲. جنگ عراق و کویت

اختلافات ارضی و مرزی عراق نسبت به کویت و نپذیرفتن این موضوع از سوی دولت کویت باعث حمله عراق به این کشور گردید. از این منظر اشغال کویت در واقع اقدامی برای عملی ساختن ادعاهای زمامداران عراق بود که از دیرباز در قالب تهدید کویت و باج خواهی از آن، مطرح و پیگیری شده بود. از نظر زمامداران عراق، کویت بخشی از سرزمین عراق و به لحاظ تاریخی تا پیش از استقلال عراق در ۱۳۰۰ش/۱۹۲۱، این منطقه، بخشی از استانداری بصره در قلمرو امپراتوری عثمانی بود. در دهه ۱۳۱۰ش/۱۹۳۰ غازی اول، پادشاه عراق، آشکارا خواستار الحاق تمام کویت به خاک عراق شد. عبدالکریم قاسم، رئیس جمهور وقت عراق، نیز در ۱۳۴۰ش/۱۹۶۱ چنین درخواستی کرد. درست شش روز پس از اعلام استقلال کویت در ۱۳۴۰ش/۱۹۶۱ هم‌زمان با تمرکز نیروهای عراقی در مرزهای کویت، عبدالکریم قاسم در بیانیه‌ای این امارت را بخشی از عراق خواند. حمله نیروهای عراقی در آن زمان عملی نشد و کویت با حکومت عراق مصالحه کرد و عراق، دولت کویت را به رسمیت شناخت (دانشنامه جهان اسلام؛ ۱۳۹۳).

پایان جنگ ایران و عراق، سرآغاز تشنج بین عراق و کویت بود. عراق در تاریخ ۱۱ مرداد ۱۳۶۹ به کویت حمله و این کشور را اشغال کرد. پس از این حمله که در نهایت منجر به تصرف کشور کویت و فرار سردمدارن آن شد شورای امنیت سازمان ملل متحد اقدام به صدور قطعنامه علیه عراق نمود که دولت وقت عراق اعتنایی به واکنش‌های شورای امنیت ننمود.

بعضی‌ها بر این عقیده هستند که چراغ سبز دولت آمریکا به رژیم صدام، همچون چراغ سبز این کشور در تجاوز به ایران، موجب تشویق وی به این اقدام شد تا آمریکا بتواند به بهانه‌ی حمایت از دولت‌های وابسته تحت سلطه خود، مجوز دخالت بیشتر را در منطقه و به ویژه خلیج فارس کسب نماید و اهداف شوم منطقه‌ای و بین‌المللی خویش را در شکل دادن به نظم نوین جهانی خصوصا در آن مقطع خاص که ابرقدرت شرق دچار فروپاشی شده بود، محقق نماید. سخنان جورج بوش رئیس جمهور وقت آمریکا به خوبی گویای این سیاست آمریکا بوده و این نظر را تایید می‌کند. وی در جریان جنگ چنین اظهار داشت که « موضوع تنها یک کشور کوچک نیست هدف ما یک عقیده تازه است یک نظم نوین جهانی فصلی که در آن کشورهای مختلف تحت یک جنبش گرد هم آمده تا به آرزوهای جهانی بشریت یعنی: صلح، امنیت، آزادی و حاکمیت قانون دست یابند(پرسمان: ۱۳۹۰).

۳. جنگ عربستان و یمن

در سال ۲۰۱۱ جنبش بیداری اسلامی در یمن و دیگر کشورهای عربی آغاز شد و نظام علی عبدالله صالح در وضعیت ضعیف تری قرار گرفت. این شرایط کمک کرد تا سید عبدالملک الحوثی جنبش منطقه‌ای خود را به یک جنبش ملی تغییر دهد. او ابتدا اسم جنبش جدید را انصارالله اعلام کرد و به سرعت فعالیت‌های خود را از صعده در شمال به استان جوف گسترش داد. این تحرک جدید به سرعت در استان عمران (استان بین صعده و صنعا) هوادارانی پیدا کرد (فتحی و جهان بین؛ ۱۳۹۸: ۸).

شیعیان یمن با تاسی گرفتن از مکتب امام خمینی (ره) و حرکت استکبار ستیزی انقلاب اسلامی، ایران را به عنوان ام‌القرای جهان اسلام به عنوان الگوی پیش روی انقلابیون این کشور قرار گرفت. به نحوی که در صنعا، پایتخت این کشور با بنرها و پوسترهایی در تایید حزب‌الله و تصاویری از امام خمینی (ره)، همراه با شعارهایی نظیر «مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل، لعنت بر یهودیان و پیروز باد اسلام»، تزیین شده است (رستمی و همکاران؛ ۱۳۹۷، ۱۴).

رهبران عربستان سعودی به عنوان یک بازیگر متنفذ منطقه‌ای، قدرت‌یابی کامل انصارالله در یمن را در تضاد با منافع و نفوذ منطقه‌ای خود می‌داند و آن را به منزله شکست عمیق سیاست‌های خود در جهت تشدید نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه می‌پندارد. برخی کارشناسان علت اقدام نظامی عربستان علیه یمن و جنبش انصارالله را در ماهیت مذهبی این جنبش (شیعه زیدی) و نزدیکی فکری و عقیدتی رهبران آن به جمهوری اسلامی ایران که باعث هراس عربستان سعودی و برخی دیگر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از تقویت نفوذ ایران و همچنین آنچه خود «هلال شیعی» می‌نامند، می‌دانند. قدرت‌گیری حوثی‌ها در یمن، عربستان را در محاصره «کمر بند شیعی» و تنگنای ژئوپلیتیک قرار می‌دهد و توازن، ظرفیت و نیز اهرم‌های اعمال فشار ایران بر عربستان قابل تحمل نخواهد بود. عربستان سعودی به عنوان متحد منطقه‌ای آمریکا به شدت از اینکه یمن به متحد ایران تبدیل شود هراس دارد و بیم آن دارد که این رویدادها تمامی شبه جزیره عربستان را ضد خاندان برانگیزد (همتی و همکاران؛ ۱۳۹۷: ۱۱).

۳. ترویج اندیشه الحادی در جوامع اسلامی

سکولاریسم

در زبان فارسی برای اصطلاح «سکولاریزاسیون» معادل‌هایی پیشنهاد شده مانند دنیامداری، دنیاگرایی، جداانگاری دین و دنیا، لا دینی، عرفی شدن، دنیوی شدن، غیر دینی شدن، نامقدس شدن که وجه مشترک همه آن‌ها قداست زدایی و دین زدایی است. سکولاریزاسیون، یعنی پروسه و جریان و فرآیندی که در طی آن دین از صحنه زندگی کنار زده می‌شود و نفوذ آن در جامعه کاهش می‌یابد. سکولاریزم یک مکتب، مرام و ایدئولوژی است که بعد از رنسانس پدید آمد و از فرزندان نهضت روشنگری است. سکولاریسم بر خلاف سکولاریزاسیون که یک پروسه و حادثه خارجی است، یک

مسلك، طرز فكر، نگرش و جهان بينی است كه بشر را بی‌نیاز از ارزش‌های الهی، اخلاقی، معنویت، فضایل دینی و آموزه‌های وحیانی می‌داند. سکولاریزه شدن دین، یک پدیده و جریان است كه در متن جامعه و واقعیت خارجی رخ می‌دهد و از جنس فكر و معنویت نیست، اما سکولاریسم یک اندیشه و ایدئولوژی است از جنس و سنخ فكر و معرفت است و این دو را نباید با هم درآمیخت (همتی؛ ۱۳۷۵: ۵).

تعبیر سکولاریزاسیون در زبان‌های اروپایی اولین بار در سال ۱۶۴۸ در معاهده وستفالی به كار رفته است. در آن ایام، مقصود از این واژه توضیح این نکته بود كه نهادها و سرزمین‌هایی كه زیر سلطه کلیسا قرار داشت، از نظارت و حاکمیت کلیسا خارج شده و زیر سلطه سیاسی غیر روحانی و نهادهای عرفی دولتی و غیر کلیسایی قرار گیرد (حوزه: ۱۳۸۱).

نظام سلطه با ترویج اندیشه‌های سکولار در جوامع اسلامی خواهان جدایی مکتب اسلام از عالم سیاست است تا بتوانند راحت‌تر به اهداف خود كه همانا جدایی بین کشورهای اسلامی و جلوگیری از به وجود آمدن یک تمدن بر پایه و اساس اسلام است. چرا كه در صورتی كه بین کشورهای مسلمان تفرقه و انشقاق به وجود آید و اینكه هر كشور بدون توجه به سایر کشورهای اسلامی فقط در پی رسیدن به اهداف و امیال خویش باشد، نمی‌تواند منجر به برپایی یک تمدن اسلامی شود كه لازمه آن وجود وحدت در بین کشورها و ملت‌های اسلامی است.

گذشت زمان و توسعه مدرنیزاسیون نه تنها به پایان راه نرسیده‌اند، بلکه با احیای دین می‌توان آن را مجدداً به عنوان مهم‌ترین ناجی بشریت به كار گرفت. به اعتقاد آن‌ها نگاه به جهان از دریچه دین تنها راه نجات انسان‌ها از ظلم و بیدادگری در این دنیای مادی‌گرای معنویت‌گریز است. احیای تفكر اسلامی و جامعه عمل پوشاندن به آن از سالیان دور در بین اندیشمندان اسلامی مورد توجه قرار گرفته بود. اما به اعتقاد بسیاری از اندیشمندان اسلام شناس و حتی جامعه‌شناسان غربی امام خمینی (ره) تنها کسی بود كه توانست آرمان تجددگرایان و بیدارگرایان اسلامی را در صحنه عمل پیاده نماید. وقوع انقلاب اسلامی و احیای بسیاری از اصول ارزشی اسلامی، اندیشه سکولاریسم غربی را به چالش كشید. با برپایی یک نظام اسلامی در ایران، اسلام به عنوان مجموعه کاملی از شیوه زندگی مجدداً مطرح شد. این نظام مشکلات و نابسامانی‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در جوامع اسلامی را تحمیل شده از طرف غرب و بر اساس مدل غربی جدایی دین از سیاست می‌داند. در مقابل اندیشه و قوانین سکولاریسم در کشورهای غرب كه با تفكر مادی‌گرایانه بر اساس انسان محوری (اومانیزم) بنا شده، انقلاب اسلامی با در نظر گرفتن بعد ارزشی و اخلاقی برای ایجاد جامعه مطلوب بر پایه عدالت و اخلاقیات، تکیه بر قوانین الهی و شریعت اسلامی دارد (ساجدی؛ ۱۳۹۴: ۳۳).

نتیجه گیری

نظام سلطه چون در گذشته، دوران اوج اقتدار تمدن اسلامی را دیده بودند، درصدد برآمدند تا نگذارند یک بار دیگر کشورهای اسلامی با یکدیگر متحد شوند و به برپایی یک تمدن بر پایه مکتب اسلام اقدام نمایند. نظام سلطه برای رسیدن به این هدف از ابزارهای مختلفی استفاده نمود یکی از این ابزارها طرح‌هایی برای تجزیه خاورمیانه بود که موسوم بود به خاورمیانه جدید. هدف این طرح تجزیه کشورهای اسلامی می‌باشد، تا با ایجاد تفرقه و انشاق مانعی جدی برای برپایی یک تمدن اسلامی به وجود بیاید. ابزار دیگر نظام سلطه که به همین منظور به کار گرفته می‌شود اختلافات مرزی بین کشورهای اسلامی است. هدف نظام سلطه از ترسیم نقشه خاورمیانه بعد از فروپاشی خلافت عثمانی جلوگیری از اتحاد کشورهای اسلامی با استفاده از ترسیم نقشه‌هایی برای کشورهای اسلامی بر سر مرزهای خود با یکدیگر نزاع‌ها در آینده برای این کشورها باشد. تقریباً تمام کشورهای اسلامی بر سر مرزهای خود با یکدیگر اختلاف دارند. نظام سلطه علاوه بر این ابزارها قصد ضربه زدن و تخریب اسلام را دارد برای این کار اقدام به ترویج سکولاریزم و بی دینی در بین کشورهای مسلمان می‌نماید. سکولاریزم که خود ریشه در اومانیسم دارد در تلاش است که انسان‌ها را از خدا دور سازد و انسان را مبدا همه چیز می‌داند. مجموع این تلاش‌ها که از ده‌ها سال قبل برای آن برنامه‌ریزی کرده‌اند باعث شده امروزه بسیاری از کشورهای منطقه با یکدیگر وارد جنگ شوند و نزاع و اختلاف و عدم توجه به مکتب اسلام در منطقه بوجود بیاید که از موانع جدی تحقق تمدن نوین اسلامی می‌باشند.

منابع

کتب

- صلح میرزایی، سعید (۱۳۹۰)، فلسطین از منظر حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مدظله) رهبر معظم انقلاب اسلامی، موسسه پژوهشی انقلاب اسلامی، تهران.

مقالات

- اشکواری، محمد جعفر؛ موسوی، سیده زهرا (۱۳۹۴)، عوامل و زمینه‌های احیاء تمدن اسلامی در گفتار رهبر معظم انقلاب، همایش ملی تمدن نوین اسلامی، تهران.
- اکبری، مرتضی؛ رضایی، فریدون (۱۳۹۳)، واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله)، فصلنامه مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایران، تهران.
- حبیبی، ضامن علی (۱۳۸۷)، جایگاه وحدت در سیاست خارجی دولت اسلامی، فصلنامه ادیان، مذاهب و عرفان: اندیشه تقریب، تهران.
- حیدری عبدی، احمد (۱۳۷۸)، اتحادیه منطقه‌ای خلیج فارس؛ موانع و مشکلات شکل‌گیری، فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، تهران.
- ناظم الرعایا، مهدی؛ سپهر، حسین (۱۳۸۶)، پروژه خاورمیانه جدید: طرح‌هایی برای اصلاح اساسی خاورمیانه، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، تهران.
- رستمی، فرزاد؛ لطفی، کامران؛ پیرمحمدی، سعید (۱۳۹۷)، جنگ قدرت‌ها در یمن و امنیت جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، تهران.
- ساجدی، امیر (۱۳۹۴)، جایگاه و کار ویژه‌های سکولاریسم در غرب و جهان اسلام، فصلنامه علوم سیاسی، تهران.
- صالحی، حمید (۱۳۹۰)، ابرقدرت‌ها، نظام بین‌الملل و جنگ عراق علیه ایران، فصلنامه سیاست، تهران.
- فتحی، محمدجواد؛ جهان‌بین، فرزاد (۱۳۹۸)، تبیین بحران ژئوپولیتکی یمن؛ عوامل و بازیگران، فصلنامه سیاست جهانی، تهران.
- فوزی، یحیی؛ صنم‌زاده، محمدرضا (۱۳۹۱)، تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی ره، فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران.
- متقی، ابراهیم (۱۳۷۹)، استراتژی موازنه منطقه‌ای آمریکا در جنگ ایران و عراق، فصلنامه سیاست دفاعی، تهران.
- همتی، همایون (۱۳۷۵)، اندیشه دینی و سکولاریزم در جهان معاصر، مجله قبسات، تهران.

• همتی، مرتضی؛ ابراهیمی، شهروز (۱۳۹۷)، اثرات سیاست خارجی عربستان در یمن بر نقش آفرینی ایران در خاورمیانه، فصلنامه سیاست جهانی، تهران.

سایت‌ها:

- کافه لینک، (۱۳۹۴)، تمدن چیست؟، www.Cofelink.com/category/research/93/
- جعفریان، رسول، (۱۳۹۵)، تبارشناسی اندیشه تمدن اسلامی از مشروطه تا انقلاب اسلامی، WWW.khabaronline.ir/news/637237/
- مستغای، سعید، (۱۳۹۵)، تبارشناسی تمدن اسلامی از مشروطه تا انقلاب اسلامی، WWW.khabaronline.ir/news/422358/
- دانا، (۱۳۹۴)، عربستان ام‌القرای جهان اسلام یا سرسپرده آمریکا و اسرائیل، WWW.dana.ir/news/282485.html/
- اجتهاد، (۱۳۹۹)، امام خمینی برای دین رسالت تمدن سازی تعریف کرد، WWW.ijtihadnet.ir/
- خامنه‌ای، (۱۳۹۴)، تمدن سازی نوین اسلامی، - WWW.farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2634
- خامنه‌ای، (۱۳۹۸)، نظام سلطه، ، WWW.farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1079
- پرتال امام خمینی، (۱۳۹۸)، نخستین واکنش امام خمینی (س) به آغاز جنگ تحمیلی، WWW.imam-khomeini.ir/fa/n23072
- خامنه‌ای، (۱۳۹۲)، زمینه‌سازی برای جنگ صلیبی، - WWW.farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23964
- دبیرخانه کنگره جهانی مقابله با جریان‌های افراطی و تکفیری، (۱۳۹۵)، نقشه آمریکایی، انگلیسی و صهیونیستی برای تجزیه خاورمیانه، WWW.makhaterltakfir.com/fa/Article/view/453/
- فارس، (۱۳۹۴)، جزئیات طرح آمریکایی « رالف پیترز » برای تجزیه عربستان/ جدایی سینا از مصر بر اساس طرح آتلانتیک « هنری گلدبرگ » ، WWW.farsnews.ir/13940305000758/
- پاک آیین، محسن، (۱۳۹۶)، دشمن وحدت مسلمین را هدف گرفته است، WWW.irdiplomacy.ir/fa/news/1970446/
- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، (۱۳۹۶)، وحدت و همگرایی، WWW.leader.ir/fa/timeline/9/
- دانشنامه جهان اسلام، (۱۳۹۳)، جنگ عراق با کویت، WWW.rch.ac.ir/article/details/7566
- پرسمان (۱۳۹۰)، نقش ایران و آمریکا در جنگ عراق و کویت، WWW.porseman.com/article/146187/